

ولادت حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

<?xml encoding="UTF-8?">



طلوع آفتاب

ابرهای رحمت باریدن گرفت، انوار حکمت تابش آغاز کرد، نوزادی آسمانی چشم به جهان گشود، دامن حمیده از تولد کودکی از آل یاسین سبز گشت، آسمان گل آذین و زمین بساط شادی گسترانید و ملائک به تماشای هفتمین ستاره تاب ناک امامت آمده اند، ای شفیع روز جزا، ای کوه حلم و بردباری، ای بهترین خلق خدا و ای محبوب و همراه پدر، خوش آمدی!

ولادت

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در روز یکشنبه هفتم ماه صفر سال 128 در آبواء، دیده به جهان گشودند، کنیه مشهورشان ابوالحسن و ابوالبراهیم و القاب ایشان کاظم، عبد صالح، امین، عالم، زین المجتهدین و باب الحوائج است.

مادر امام کاظم علیه السلام

مادر امام موسی کاظم حمیده بربریه، معروف به «حمیده الصفا» بود. امام صادق علیه السلام درباره ایشان

فرموده اند: «حمیده مثل زرناب و تصفیه شده، از آلودگی ها و پلیدی ها پاک است و این از لطف خدا بر من و امام بعد از من است که پای چنین بانوی پاک دامنی را به خانه من گشود».

کاظم

لقب مشهور امام موسی کاظم علیه السلام ، یعنی خاموش و فرو برنده خشم است؛ زیرا آن حضرت از دست دشمنان بسیار آزار کشیدند و در حق آنان نفرین نکردند. شیخ مفید، در این باره روایت کرده که در مدینه مردی بود که امام کاظم علیه السلام را بسیار اذیت می کرد تا آنکه بعضی از همراهان حضرت، خواستار قتل او شدند، امام ایشان را نهی فرمودند و پرسیدند: آن مرد کجاست؟ عرض کردند در کناره های مدینه مشغول زراعت است، حضرت به دیدار او رفت و با گشاده رویی با او سخن گفت و پرسید: چه قدر خرج زراعت کرده ای؟ گفت: صد اشرفی، فرمود: چه قدر امید داری دستت بیاید؟ گفت: دویست اشرفی، سپس حضرت سی صد اشرفی به او داد و فرمود: این را بگیر و از زراعت هم آن چه امید داری خداوند به تو می دهد، مرد صورت حضرت را بوسید و خواست که او را عفو کند، حضرت تبسم کرد و برگشت. پس از این، آن مرد پیوسته حضرت را دعا می کرد.

مکارم الاخلاق

سجایای اخلاقی امام موسی کاظم علیه السلام ، چنان آشکار بود که شیعه و سنی به آن اعتراف می کنند؛ از آن جمله یکی از بزرگان اهل تسنن می گوید: او پیشوایی بزرگ قدر و جلال، شأن و مرتبه اش از همه بالاتر بود، در عبادت مشهور و از اطاعت خدا نگاه بانی و مراقبت می کرد کرامت وجودی داشت، شب ها را به سجده و نماز می گذراند و روزها را با صدقه دادن و روزه گرفتن سپری می کرد، هر گاه به او بدی می کردند نیکویی می کرد، به دلیل کثرت عبادتش عبد صالح نامیده شد و در عراق به باب الحوائج معروف شد؛ زیرا هر کس به ایشان متوسل می شد، به حاجت خود می رسید.

مناجات امام کاظم علیه السلام

مردان خدا از نیایش و عبادت جدا نمی شوند؛ امام کاظم علیه السلام ، آن از انسان کامل و عبد صالح نیز

پیوسته در عبادت بودند و گاه آن چنان می گریستند که صورتشان از اشک خیس می شد. این دعا را بسیار می خواندند: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ»

خلفای زمان امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام در بیست سالگی به امامت رسیدند، مدّت امامتشان سی و پنج سال بود و در زمان حیات ایشان چهار خلیفه عباسی به نام های منصور دوانقی، مهدی عباسی، هادی عباسی و هارون الرشید به حکومت رسیدند. امام در زمان هارون الرشید و در زندان سندی بن شاهک، به دستور هارون الرشید به شهادت رسید.

دیدگاه هارون الرشید درباره امام کاظم علیه السلام

مقام بلند امام موسی کاظم علیه السلام چنان بود که حتی مخالفان امام هم به حقانیت ایشان اعتراف کرده اند، ولی به دلیل عناد با ایشان، همواره در اماکن عمومی از ابراز آن خودداری می کردند؛ از جمله هارون الرشید به پسرش مأمون می گوید: «ای پسر، موسی بن جعفر امام و پیشوای مردم و حجت خدا برای مردم و بندگان خلیفه خداست، من در ظاهر، امام مردمان هستم و با زور بر او چیره شده ام، به خدا قسم، او به مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از همه مردم حتی من شایسته تر است و لیکن اگر بخواهد در این امر با من نزاع کند، چشمش را بیرون می آورم؛ زیرا خلافت عقیم است، او وارث پیغمبران است، اگر علم و روش صحیح می خواهی، باید از او یاد بگیری».

مصدق انسان کامل

در بررسی زندگانی ائمه اطهار علیه السلام ، آنان را مصداق انسان کامل می یابیم. درباره سیره زندگی امام کاظم علیه السلام آمده است که ایشان از تمام خلق، عبادتش بیشتر و معرفتش درباره پروردگار کامل تر بوده، علمش از دانش مندان عصرش بیشتر و گذشت و جوان مردی شان همگان را به اعجاب درآورده، شب ها برای بیچارگان و بیوه زنان و یتیمان آرد و خرما می برد، قرآن کریم بسیار تلاوت می کرد و در آثار قدرت الهی تفکر می فرمود، تلاوت قرآنش هر شنونده ای را مجذوب و به گریه وا می داشت، در صبر و شکیبایی بی مانند و همیشه سپاس گزار و

بردبار بود، شب زنده دار و باوقار بود، حتی مخالفان ایشان نیز به خلق و خوی ایشان در کتاب های خود اعتراف کرده اند و رفتار و کردار و گفتار حکیمانه شان را بیان نموده اند.

بخشش جود و کرم حضرت امام کاظم علیه السلام

امام موسی کاظم علیه السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و از خاندان انسان های الهی و فردی بخشنده و بزرگ منش بوده اند. درباره سخاوت ایشان گفته اند:

امام کاظم علیه السلام کیسه های طلا را به مردم می بخشید. در حجاز و عراق کیسه های اعطایی حضرت، به نام کیسه های موسوی مشهور بود، او مخالفان و بد خواهان را از راه بخشش و کرم دوست می کرد، با فقیران می نشست و از افراد تهی دست دل جویی می کرد، آزاد و بنده را برابر می دانست و می فرمود: همه مخلوق خداوند و فرزندان آدم هستیم.

توصیه به کار و کوشش

علی بن حمزه، از یاران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ، می گوید: روزی ایشان را در باغستان و نخلستانی دیدم که کار می کرد و عرق می ریخت، عرض کردم: خادمان شما کجا هستند که چنین عرق می ریزید؟ فرمود: آن که از من و پدرم بهتر بود، کار می کرد و عرق می ریخت (منظور ایشان امیرمؤمنان علیه السلام بود) این کار پیامبران و اولیا و اوصیای آنان است.

سخنان گهربار

- «زیادی غم و اندوه، موجب پیری است».
- «شتاب زدگی از جهالت و نادانی است».
- «خشم کلید هر بدی است».
- «خواب خردمند، از بیداری نادان بهتر است».
- «همسایه خوب بودن، تنها بی آزاری نیست بلکه صبر بر آزار همسایه است».

«ابراز دوستی و الفت و محبت به مردم، نشانه خرد است».

فرزندان آفتاب

امام موسی کاظم علیه السلام فرزندان بسیار داشتند که مشهورترین فرزند پسر ایشان، امام رضا علیه السلام و با فضیلت ترین دختران ایشان، حضرت فاطمه معروف به معصومه علیهاالسلام است. امام موسی کاظم علیه السلام درباره امام رضا علیه السلام فرمود:

همانا علی بزرگ ترین اولاد من است و خوش رفتارترین و محبوب ترین آنان نزد من است.

بخشش به شاعر

حضرت کاظم علیه السلام در زمان منصور دوانقی در روز عید نوروز، به دربار او احضار شدند. منصور با هدف عوام فریبانه ای مأموران خود را موظف کرد که تمام هدیه هایی که برای خلیفه از گوشه و کنار مملکت های بزرگ اسلامی فرستاده بودند، جمع آوری کنند و تمام آن ها را به حضرت بدهند، با این که ارزش آن اموال بسیار بود. شاعر بینوایی، سه بیت شعر در مرثیه جد بزرگوارش؛ حضرت امام حسین علیه السلام سرود و برای آن پیشوای عالی قدر خواند، امام تمام آن مال را به او بخشید.

عالم کتب آسمانی

امام کاظم علیه السلام عالم و بیان کننده کتاب های آسمانی بودند و به همان صورت نخستین و راستین آن گونه که انبیا آورده بودند، همه را می دانستند. روزی نصرانی ای، خدمت امام کاظم علیه السلام رسید، امام به او فرمود: تا چه اندازه به کتاب خودتان آشنایی داری؟ گفت: من عالم هستم و تأویل آن را هم می دانم. امام انجیل را قرائت کرد. او گفت: جز حضرت عیسی علیه السلام کسی انجیل را این گونه قرائت نمی کرد. باز حضرت تورات را خواند، عرض کرد: این همان حقیقتی است که پیامبران آورده اند. او پنج سال در خدمت آن پیشوای روحانی و عالم ربانی بود و اسلام آورد.

سجده نور

امام کاظم علیه السلام چنان شیفته عبادت حق بود که هیچ چیز، نمی توانست ایشان را از این حضور باز دارد، حتی آن حضرت در زندان در مناجات با پروردگار می فرمود:

خداوندا من همیشه از تو گوشه خلوت و خاطر راحت درخواست می کردم تا تو را عبادت کنم، اکنون شکر می کنم که دعای مرا مستجاب کرده ای.

فضل بن ربیع زندان بان امام می گوید: موسی بن جعفر علیه السلام وقتی نماز صبح را می خواند، مشغول تعقیب می شد، سپس به سجده می رفت تا آفتاب طلوع می کرد و بعد از آن بر می خاست و نماز می خواند، وقتی نماز ظهر و عصر را با نافله ها به جا می آورد، باز به سجده می رفت تا آفتاب غروب می کرد و پیوسته نماز و تعقیب می خواند، او تا وقتی نزد من بود، این گونه خو می کرد.

مغبون

زیان کار آن نیست که در زندگی دنیوی چیره گردد و سرافراز آن کس نیست که برای لذت دنیوی خویش، به هر پلیدی دست زند و هر روز را به بهانه ای سپری کند تا ورق عمرش به پایان رسد. امام کاظم علیه السلام مغبون را چنین معنا می کند: کسی که دو روزش؛ یعنی روز گذشته او و روزی که در آن است برابر باشد، مغبون است و کسی که روز دوشنبه، بدتر از روز اوّلش؛ یعنی روز گذشته اش باشد، نفرین شده و کسی که در نفس خود افزوده ای نمی یابد، در حال کم شدن است و آن که از او کم می شود، مرگ برای او بهتر از حیات است.

باب الحوائج

تا تابش خورشید، تَلَأْلُؤُ ماه و نور مهتاب به جا مانده است، موسی بن جعفر علیه السلام بر آورنده نیازهای مستمندان است. ای امید ناامیدان، به آن لحظه که تو را باب الحوائج خوانند و تو را در پیش گاه پروردگار شفیع قرار دهند تا نیازشان را بر آوری و ای مظهر کامل حقیقت و عرفان! عاجزانه از آستان مقدست خواهانیم، از خداوند بطلبید تا معرفت کامل شما اهل بیت علیه السلام را، به ما عنایت فرماید. «یا وَجِیها عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ»

آزمایش الهی

مؤمنان در آزمایش های الهی آزموده می شوند که دانسته شود آیا لب به گله می گشاید یا چون ایوب نبی علیه السلام همه آزمایش ها را با موفقیت پشت سر می گذارد. دریافتن چنین چیزی، به میزان ایمان انسان پیوسته هست و با این آزمون ها، روح سیر صعودی به سوی کمال را می پیماید و به سر منزل هستی می رسد. امام کاظم علیه السلام می فرماید:

مؤمن مثل کفه ترازوست؛ هر چه ایمانش زیاد شود، بلایش بیشتر می شود!

دری از معرفت پروردگار

امام صادق علیه السلام درباره فرزندشان امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

در میان مسلمانان کسی دارای برتری اخلاقی، مانند فرزندان موسی نیست. او برتری های برجسته و بلندمرتبه دارد و در زهد و تقوا، مانند عیسی بن مریم است. او حلم، حکمت، بخشش و معرفت دارد و آن چه مردم به آن نیازمندند، در نزد اوست و او اختلاف از بین آنان بر می چیند. در دین امامی بزرگ است که دارای حسن خلق و سخاوت و احسان است. او دری از درهای معرفت پروردگار است.

دنیا

دنیا عروس هزار دامادی است که همه آنان را می کشد. افسوس که نو دامادان از کشتگان دیرین عبرت نمی گیرند و اسیر آن می شوند. باید به ایمان و تقوا دست یابند، تا در گرداب خطرناک دنیا فرو نروند. امام کاظم علیه السلام فرمود:

لقمان حکیم به پسرش چنین گفت: ای پسر! دنیا دریای عمیق و ژرفی است که افراد بسیار در آن غرق شدند، پس باید کشتی تو در این دریا پرهیزگاری خدا باشد و پل روی آن ایمان و بادبانش توکل و لنگر آن عقل و رهنمایش دانش و فرمان آن شکیبایی باشد.

امام و رهنم

| | |
|--|--|
| حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رهبر راه ولاست | باطن نورانی اش آیینہ ایزدناماست |
| مطلع غیب الغیوب و مظهرالله نور | در سماوات حقایق رازدار کبریاست |
| عالم و فاضل سخّ و کاظم و باب المراد | بوده آن فرزند پیغمبر امام و رهنماست |
| او غلامان را به راه عشق حق آزاد کرد | مکتب او مکتب توحید و ایمان و صفاست |
| حضرت باب الحوائج نور جان جعفر است | در جهان معرفت او نایب خاص خداست |
| صابرا، دست طلب بر دامن فیضش بزن | حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رهبر شاه و گداست |

نشریه گلبرگ، فروردین 1383، شماره 49